

دور دست‌ها

رقابت بر سر قطب جنوبِ ماه



حوالی امروز! پیش‌تر یکی می‌خواست زودتر به ماه برسد و دیگری می‌خواست ثابت کند موشک و سفینه‌هایش توانمندترند و پرچمش روی ماه بالاتر! حالا اما آمریکا و چین بر سر این دعوا دارند که چه کسی زودتر آن بالا خانه بسازد، منابع ماه را بشناسد و حق عبور و مرور تعیین کند. چینی‌ها که تا دو دهه پیش به نظر نمی‌رسید به فضا و ماه چشم داشته باشند حالا در رقابت فضایی با سرعتی قابل توجه جلو آمده‌اند. این کشور ایستگاه فضایی «تیانگونگ» را ساخته، از سمت پنهان ماه نمونه خاک آورده و دارد برای ساخت یک سکونتگاه دائمی روی ماه تا سال ۲۰۴۰ برنامه‌ریزی می‌کند. هدف نزدیک‌ترش هم فرستادن نخستین فضانورد چینی به ماه تا سال ۲۰۳۰ است. آمریکا هم طبیعتاً نمی‌خواهد در این بازی تماشاجی باشد. ناسا برنامه آرتمیس را پیش می‌برد و قرار است دوباره انسان را به ماه برگرداند؛ با این تفاوت که این بار هدف فقط سلام و علیک با ماه و برگشتن نیست.

قطب جنوب ماه به میدان اصلی رقابت تبدیل شده، چون دانشمندان احتمال می‌دهند در دهانه‌های همیشه‌سایه‌دار آن ذخایر یخ آب وجود داشته باشد. آب در ماه فقط برای رفع تشنگی نیست؛ می‌توان از آن اکسیژن، آب آشامیدنی و حتی سوخت موشک تولید کرد. یعنی چیزی شبیه یک پمپ بنزین طبیعی، فقط با فاصله حدود ۳۸۴ هزار کیلومتر از خانه! چین قرار است با مأموریت «چانگ‌ای-۷» مجموعه‌ای از ابزارهای رباتیک را به این منطقه بفرستد؛ مدارگرد، فرودگر، مریخ‌نورد و حتی یک وسیله جهنده که قرار است دنبال یخ آب بگردند. آمریکا هم روی فرودگرهای تجاری حساب باز کرده و شرکت‌هایی مانند اسپیس ایکس و بلو اوربجین را وارد میدان کرده است. چین برنامه‌ای متمرکز و نسبتاً سرراست دارد؛ هدف را مشخص می‌کند و منابع را پشت همان هدف می‌گذارد.

آمریکا در مقابل، با ناسایی روبه‌رو است که بودجه و برنامه‌هایش با تغییر دولت‌ها بالا و پایین می‌شود و بخش مهمی از کار را هم به شرکت‌های خصوصی سپرده است. آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که اگر روزی روی ماه واقعاً شهر ساخته شود، چه کسی قانون می‌گذارد؟ چه کسی مالک منابع خواهد بود؟ و اصلاً ماه قرار است متعلق به چه کسی باشد؟ معاهده فضای بیرونی می‌گوید هیچ کشوری نمی‌تواند ماه را به نام خودش سند بزند. اما درباره استخراج منابع و ایجاد مناطق امن، هنوز کلی جای بحث و تفسیر وجود دارد.

جهان امروز

ما عجیب هستیم یا آن‌ها؟



حوالی امروز! ما که در همین آب و خاک بزرگ شده‌ایم، گاهی وسط فرهنگ خودمان می‌مانیم که بالاخره این «نه» واقعاً یعنی نه، یا باید سه بار دیگر اصرار کنیم تا جواب مثبت بشنویم؟ دیگر چه برسد به آدم‌های خارجی که از بیرون به این ماجرا نگاه می‌کنند و احتمالاً بعضی وقت‌ها نمی‌دانند با این همه تعارف، اصرار و پیچ‌وخم‌های رفتاری دقیقاً باید چه کار کنند؟ مثلاً برای ما کاملاً طبیعی است که میهمان بگوید «ممنون، سپرم» و میزبان بلافاصله بشقاب را دوباره بر کند؛ اما یک اروپایی احتمالاً با خودش فکر می‌کند: «چرا کسی به نظرش احترام نمی‌گذارد؟» تازه تعارف که فقط سر سفره نیست. ممکن است کسی بگوید «قابل ندارد» و دیگری بگوید «خواهش می‌کنم»، اولی دوباره اصرار کند و دومی باز هم تعارف کند و درنهایت هر دو طرف کاملاً راضی از اینکه وظیفه اجتماعی‌شان را درست انجام داده‌اند، از هم جدا شوند. برای ما این رفتار نشانه ادب و احترام است؛ اما برای کسی که به ارتباط مستقیم عادت دارد، این موقعیت شبیه یک مذاکره است که البته هیچ‌کسی حاضر نیست حرف اصلی‌اش را بزند.

از این‌ها بگذریم سؤال‌های شخصی مثل سن، شغل، ازدواج، درآمد و البته سؤال طلایی «پس کی می‌خوای ازدواج کنی؟» که در ایران خودمان گاهی حتی از طرف کسی مطرح می‌شود که پنج دقیقه است با او آشنا شده‌ایم نیز بیشتر برای برقراری ارتباط است و خدایی نکرده اصلاً ربطی به سرک کشیدن در حریم خصوصی ندارد، اما خب اروپایی‌ها خیلی به مذاقشان خوش نمی‌آید که در مورد این جور سؤال‌ها حرف بزنند.

خلاصه اینکه تا دلالت نخواهد از این نوع تفاوت‌ها وجود دارد که البته خیلی از آن‌ها دوطرفه است. یعنی فکر نکنید فقط ما عجیب هستیم و متر و معیار جهانی اروپایی‌ها هستند. طبیعتاً برای ما هم که ممکن است با تعارف سر حساب کردن پول رستوران؛ من بمیرم، تو بمیری راه می‌اندازیم، مثلاً ویژگی‌هایی مثل تقسیم دقیق هزینه زنه رستوران بین چند اروپایی که دورهم جمع شده‌اند، عجیب باشد. یا فردگرایی شدید و صراحت و بی‌رودریابستی بی‌رحمانه‌ای که در برخوردهای اجتماعی آن‌ها وجود دارد، برایمان غیرقابل قبول باشد. درنهایت، فکر می‌کنم عجیب بودن بیشتر از آنکه درباره رفتار آدم‌ها باشد، درباره عینکی است که با آن به دنیا نگاه می‌کنیم. چیزی که برای یکی نشانه محبت است، برای دیگری دخالت محسوب می‌شود و چیزی که یکی آن را صراحت می‌داند، ممکن است برای دیگری بی‌ادبی باشد. ظاهراً در فرهنگ هم مثل زبان، بعضی چیزها را نمی‌شود کلمه‌به‌کلمه ترجمه کرد.

اوقات شرعی به افق تهران

اذان ظهر	اذان مغرب	اذان صبح فردا
۱۴:۱۰	۱۹:۱۸	۳:۴۸
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۸:۵۹	۲۳:۲۳	۰۵:۲۱

اوقات شرعی به افق مشهد

اذان ظهر	اذان مغرب	اذان صبح فردا
۱۱:۳۷	۱۸:۴۶	۳:۱۳
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۸:۲۷	۲۲:۵۰	۴:۴۷

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی

مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی

سرمدیر: نسیم محسن اسدلی

آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاد، نبش سجاد ۱۴-۱۱-۳۷۸۵۰ (۰۵۱)

● صندوق پستی:

● دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و جملازاده، شماره ۳۴۶

● تلفن:

● نمایر:

● پیامک:

● ارتباطات مردمی:

● چاپ همزمان تهران:

روابط عمومی:

نمابر سردیر:

سازمان آگهی‌ها:

فاکس:

سفارشات چاپی:

چاپ مشهد:

چاپ همزمان تهران:

و نیبیرو را هم کردند قوز بالای قوز. بعدتر هم کشف احتمالی سیاره ۹ در دورست‌های منظومه شمسی، برای طرفداران این قصه‌ها حکم سوخت تازه را داشت؛ در حالی که سیاره ۹ فقط یک فرضیه علمی جداگانه بود و ربط‌دانش به نیبیرو، از آن جنس وصله‌هایی است که هیچ‌جوره به این موضوع نمی‌چسبد. اما از حق‌نگذریم بعضی از این شایعه‌ها، ریشه واقعی‌تری هم داشتند. نمونه‌اش طوفان‌های خورشیدی است که تقریباً ما را با یک پدیده واقعی روبه‌رو می‌کند. فوران‌های شدید خورشیدی می‌توانند میدان مغناطیسی زمین را تحت تأثیر قرار دهند و به ماهواره‌ها، ارتباطات رادیویی و حتی شبکه‌های برق آسیب بزنند. همین واقعیت، اما در فضای مجازی آن‌قدر کش آمد که تبدیل شد به قصه پایان اینترنت و قطع شدن چندماهه شبکه جهانی. درست است که طوفان خورشیدی معروف کارینگتون در سال ۱۸۵۹ ارتباطات تلگرافی را به‌هم ریخت و نشان داد خورشید گاهی می‌تواند حسابی برای فناوری‌های زمینی شاخ و شانه بکشد، اما این ماجرا به معنی قطعی بودن فاجعه نبود. مورد دیگری هم که احتمالاً خیلی‌ها هنوز یادشان مانده، هارولد کمپینگ، واعظ آمریکایی، در سال ۲۰۱۱ بود که با چنان اطمینانی اعلام کرد جهان در ۲۱ ماه می، فلان ساعت و دقیقه همان سال تمام می‌شود، که انگار یک درصدم ممکن نبود این اتفاق نیفتد. اما خب روز موعود رسید و خبری نشد؛ نه آسمان به زمین آمد، نه زمین از حرکت ایستاد، نه آخرِ دنیا از راه رسید.

یک بازی دوگانه

خلاصه کلام اینکه، ما با یک کلکسیون کلاسیک از هراس‌های دوره‌ای طرفیم. از ماه آواره‌ای که قرار بود سفال آسمان را روی سرمان خراب کند تا سیاره نیبیرو که سال‌هاست به بهانه‌های مختلف دم در خانه است اما هیچ‌وقت نمی‌رسد. داستان‌های این چنینی، ریشه‌شان در یک واقعیت علمی کوچک است، اما در مسیر بازنشر، با چاشنی ترس و هیجان کاذب ترکیب می‌شوند. پس درباره همین پروژه آنکر و ماجرای تطیلی جاذبه، بهتر است آب پاکی را روی دست همه بریزیم که هیچ خبری نیست. نه پروژه‌ای در کار است، نه ناسا قرار است زمین را از معلق بودن در هوانجات دهد و نه اصلاً جاذبه قرار است حتی برای نیم‌ثانیه متوقف‌شود.

در واقع ما گرفتار یک میل درونی شده‌ایم و چون این موضوعات ذاتاً جالب و هیجان‌انگیز هستند، آدم را قلقلک می‌دهند تا سر از کارشان دربیاورد. اما این وسط، بازی دوگانه‌ای در جریان است: گروه اول، همان افرادی هستند که باهدف تخریب اعتبار نهادهای علمی یا صرفاً برای جذب لایک و دیده‌شدن، این شایعه‌ها را پخش می‌کنند و در گروه دوم هم… این خود ما هستیم! که بدون لحتلای درنگ، دیکه بازنشر را می‌زنیم و ناخواسته، بنزین می‌شویم روی آتش همان شایعه‌سازها و برای بقیه ترس و دلهره ایجاد می‌کنیم.

می‌شود و ممکن است حتی همه ما را نابود کند!

■ چند نمونه دیگر

قبلاً هم از این دست خبرها کم نداشتیم مثلاً یک بار گفتند ماه قرار است از مدارش خارج شود و مستقیم بیاید سمت زمین. داستان آن‌قدر با آب‌وتاب روایت شده بود که اگر کسی فیلم سقوط ماه را ندیده بود، بعید نبود خیال کند ناسا دوباره یک گوشه دارد سفینه نجات زمین را آماده‌راهندازی می‌کند. اما خب، بعداً بررسی‌های علمی نشان داد برای اینکه ماه واقعاً از مدارش کنده شود، باید جرمی تقریباً هم‌اندازه خودش با سرعتی وحشتناک به آن بخورد؛ چیزی که نه در منظومه شمسی دم دست است، نه در عالم خیال به این راحتی پیدا می‌شود. حتی برخورد بقایای موشک‌ها و اجرام مصنوعی هم، آن‌قدرها زور ندارد که مدار ماه را به هم بریزد. اگرچه شایعه کاملاً رد نشد اما لااقل ثابت شد که همین‌طوری و از روی هوا اتفاق نمی‌افتد. یک نمونه دیگر، داستان معروف «نیبیرو» یا همان سیاره ایکس بود؛ جرمی مرموز که سال‌ها در فضای مجازی به عنوان سیاره‌ای نابودگر جا افتاد. اوج ماجرا هم به سال ۲۰۱۲ رسید؛ سالی که بعضی‌ها پایان تقویم ما یاها را با پایان جهان قاطی کردند

فردا – به خاطر فعالیت‌های عجیب سیاهچاله‌ها، جاذبه زمین برای هفت ثانیه از کار می‌افتد و احتمالاً توی همین هفت ثانیه کل زمین به هوا می‌رود و تمام! متأسفانه این خبر هم‌زمان به داستان‌های خیالی یک برنامه محرمانه در ناسا به اسم پروژه آنکر گره خورده و می‌گویند که ظاهراً ناسا مخفیانه دارد روی این فاجعه کار می‌کند تا جلو این بلاّی آسمانی را بگیرد. حتی این دوستان زحمت کشیده و افشا کرده‌اند که ناسا ۹۰ میلیارد دلار خرج این پروژه کرده تا زمین از دست سیاهچاله‌ها در امان بماند.

اگرچه ناسا مثل همه کسانی که دستشان رو شده، سریع و قاطعانه این حرف‌ها را رد کرده و گفته چنین پروژه‌ای وجود ندارد اما خب این ترس همچنان وجود دارد که اگر جاذبه واقعاً و فقط برای یک چشم به‌هم‌زدن هم از کار بیفتد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ شاید دیگر هیچ نیرویی نباشد که انسان‌ها، ساختمان‌ها، هوا و حتی آب اقیانوس‌ها را روی زمین نگه دارد.

همه چیز – از ریزترین ذره تا عظیم‌ترین آسمان‌خراش – مثل گرد و غبار در فضا پخش می‌شود. بعد هفت ثانیه هم که جاذبه برگردد، همه چیز با سرعتی وحشتناک به سمت زمین برمی‌گردد و نتیجه‌اش مثل خرده شیشه‌های پاشیده‌شده روی میز، یک فاجعه تمام عیار

یافته‌ها

مجید تربت‌زاده | پرتغالی‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گویند: «اول عجیب به نظر می‌رسد، بعد کم‌کم جا می‌افتد» حالا هم یک خبر نه‌چندان تازه که دوباره در رسانه‌ها داغ شده مصداق همین ضرب‌المثل است. تجربه استفاده از موهای انسان به عنوان فیلتر به اواخر دهه ۷۰ میلادی برمی‌گردد. اما در مواجهه با این تجربه‌ها ویو ایده‌های جدیدتری استفاده از موبه عنوان فیلتر، اولین پرسش‌نی که به ذهنمان می‌رسد این است: «حالا از کجا این همه مویپیدا کنیم؟»

■ در دسر نشت مواد نفتی

فرانسوی‌ها مدعی‌اند سال ۱۹۷۸ در کنار مواد دیگر از فیلترهای مویی برای پاک‌سازی نفت‌های نشت کرده به دریا کمک گرفته‌اند. آمریکایی‌ها هم گویا چنین تجربه‌ای دارند. تجربه‌های قدیمی و همچنین ایده جدید برزیلی‌ها برای پیشگیری از آلودگی اقیانوس، به راه‌اندازی کمپین «اهدای مو» یا «جمع‌آوری مو» از آرایشگاه‌ها وابسته است. اگر زمانی در فرانسه یا کشورهای دیگر گروه‌هایی اقدام به خریداری یا جمع‌آوری مو از آرایشگاه‌ها برای فیلترسازی کردند حالا برزیلی‌ها تلاش می‌کنند برای نجات اقیانوس‌ها، با موی اهدایی مردم، سدهایی بسازند تا برخی سواحل برزیل را از آلودگی نشت نفت و همچنین ریز پلاستیک‌ها محافظت کنند.

«ماریانا روبراهن» بنیان‌گذار یک سازمان غیردولتی در برزیل با الهام از طرح‌های فیلتر مویی قدیمی می‌خواهد

نجات دریاها از آلودگی‌های نفتی

موهایی که فیلتر می‌شوند



■ چربی دوست

برای اینکه باور کنید موهای ما واقعاً چنین قدرتی دارند باید یادآوری کنیم که اصولاً موهای ما چربی دوست و جذب‌کننده هر نوع چربی هستند. برای همین هم موهای شما به‌سرعت چرب با کثیف می‌شوند و مجبور می‌شوید آن را با شامپو و صابون بشویید. این خاصیت موفقط مرموبوطه‌به‌وقتی که روی سر شما هستند، نیست و حتی داخل فیلترها و توی آب دریاها هم می‌تواند چربی‌ها را جذب خودش کند.

مجری این طرح در برزیل می‌گوید این روزها در خلیج

گوانابارا به جای قایق‌های کوچک با خدمه‌ای که تور به آب می‌اندازند تا ماهی بگیرند، اغلب دیده‌می‌شود نوعی استوانه پر از مو که به آن «پتو» یا «مانتا» هم می‌گویند، به آب انداخته می‌شود تا سدی تشکیل دهد که نفت، بیودیزل و دیگر مواد آلاینده را به خودش جذب کند. پتوهای مویی می‌توانند تا چهار ماه در دریا بمانند و آلودگی ناشی از کشتنی‌ها، تخلیه‌های غیرقانونی و دیگر منابع آلودگی را جذب کنند.

خوبی این طرح برای برزیلی‌ها این است که تعداد آرایشگاه‌هایشان بسیار زیاد و ماده اولیه ساخت فیلتر همیشه در دسترس و پایان‌ناپذیر است.

در حال حاضر حدود ۱۰ سالن آرایش مو، موهای کوتاه شده‌ای را که برای ساخت کلاه‌گیس قابل استفاده نیستند برای تولید این «پدهای اکولوژیک» اهدا می‌کنند. این در حالی است که حتی پشم و موی حیوانات هم می‌تواند برای فیلتر کردن و جذب نفت به کار بروند. «ماریانا روبراهن» بنیان‌گذار طرح فیلترهای مویی در برزیل با مو و خواص آن چندان بیگانه نیست. او پیش‌تر و در سال ۲۰۱۳ پروژه خیریه «کابله‌گیا» را راه انداخته بود که با موهای اهدایی مردم، کلاه‌گیس می‌ساخت و آن‌ها را به نفع بیماران سرطانی می‌فروخت. خلاصه اینکه پایه‌پای تلاش‌های تجاری و صنعتی انسان‌ها که ضمن کسب درآمد، محیط زیست را هم تخریب می‌کنند، هستند انسان‌ها و مبتکرانی که دائم در تلاش‌اند تا با ایده‌های جدید از کم‌ترین امکانات طبیعی برای نجات زمین استفاده کنند.

آگهی مزایده عمومی شماره ۵۱۲۰۰۸۹

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان در نظر دارد ۵۰۰۰۰ تن گندله سنگ آهن با عیار آهن متوسط ۶۵٪ را از طریق برگزاری مزایده عمومی در محل اسکله شهید رجایی بندرعباس بصورت Ex-Works بفروش برساند.
متقاضیان میتوانند از تاریخ درج آگهی به منظور اطلاع از شرایط و دریافت اسناد مزایده با در دست داشتن کارت ملی (اشخاص حقیقی) یا معرفی نامه رسمی (اشخاص حقوقی) و فیش واریزی، به آدرس تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان سی و یکم، بعد از تقاطع زاگرس، پلاک ۱۳ -طبقه چهارم، امور حقوقی و قراردادهـا -خانم مویدی- مراجعه نمایند.
تحويل موضوع مزایده در اراضی اسکله شهید رجایی بندرعباس در انبار سریع بارخلیج فارس (تسویه بصورت ریالی/ اعتباری) خواهد بود.
برای خرید اسناد مزایده می بایست مبلغ ۱۰ میلیون ریال به حساب شماره ۵۵۵۶۵۱۵۹۷۲۷ با شماره شبـا 1597-27-5565-0000-0200-0120-54 IR نزد بانک ملت شعبه بلوار سجاد مشهد به نام شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان واریز و فیش آن در زمان دریافت اسناد ارائه گردد.

ضمناً پیشنهادات می بایست در پاکت های مهر و موم شده قرار گرفته و حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۳۱ مرداد ماه ۱۴۰۵ به آدرس فوق الذکر تحويل گردد.
گشایش پاکات مزایده در تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ راس ساعت ۱۵۰۰ صورت می پذیرد

شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان

